

معرفی کتاب خدا، اختیار و شر × [1]

سمیه خلیلی آشتیانی [2] ×

مسئله شر، به معنای عام یکی از مسائلی است که از گذشته تا حال، اندیشه آدمی را به خود مشغول داشته است. زندگی انسان، از آغاز با تلخی‌ها و ناکامی‌ها و شادی‌ها و کامیابی‌ها همراه و ممزوج بوده است، و این انسان دانست که حیات بدون شر و بدی و سراسر نیکی، آرزویی دست نیافتنی است.

رویارویی انسان با مسائل دردناک و اندوهناک زندگی، پرسش‌هایی در ذهنش پدید آورد که تا امروز هنوز تازه و جدیدند؛ حقیقت اموری که در نظر ما در زمره شرور و بدی‌ها قرار می‌گیرد، چیست؟ آیا خیر و شر از منبع واحدی بر می‌خیزند؟ در این صورت، از چه رو مبدأ نیکی و خیر، وجود شرور را تجویز می‌کند؟ آیا شرور از اصل دیگری برخاسته است؟

در این میان، دغدغه و تکرانی مؤمنان و متألهان بیش از دیگران بوده است، چرا که افزون بر پرسش‌هایی مانند آنچه گذشت، با پرسش‌هایی از سنخ دیگر نیز مواجه‌اند: آیا وجود شرور با اعتقاد به اوصافی همچون عدل و حکمت الهی سازگار است؟ و آیا می‌توان جهان حاوی شر را بهترین جهان ممکن دانست که خداوند آفریده است، و نظام آن را نظام احسن دانست؟

عمق و ژرفای پرسش‌های یاد شده از یک سو، و تعدد و تنوع آن از سوی دیگر، منشأ ظهور رهیافت‌های گوناگون نسبت به مسأله شر، در میان فیلسوفان و متکلمان شرق و غرب، گردیده است تا آنجا که کمتر فیلسوف یا متکلم برجسته‌ای می‌توان یافت که از منظر خاص در آن ننگریسته باشد. پاره‌ای از رهیافت‌های شاخص نسبت به مسئله شرور چنین است:

1. بررسی مسئله شر از جهت چگونگی تعلق قضای الهی به آن: در این منظر، که رنگی فلسفی - کلامی دارد و بیشتر در آثار حکیمان و متکلمان اسلامی به چشم می‌خورد، تلاش می‌شود تا چگونگی ورود شرور به قلمرو قضای الهی تبیین گردد. این تبیین به نوبه خود و در مراحل مقدماتی‌اش، نیازمند تحلیل ماهیت شرور است.

2. سازگاری وجود شرور با نظام احسن عالم: در این رهیافت، مسئله وجود شر از حیث سازگاری (یا عدم سازگاری) آن با اعتقاد به اینکه نظام موجود عالم، نظام احسن است، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

3. ارتباط مسئله شر با اوصاف خداوند: در این دیدگاه، سازگاری وجود شر با برخی اوصاف اساسی خداوند، که مورد پذیرش عموم متألهان است، بررسی می‌شود. این بخش از مباحث مرتبط با مسئله شرور، به لحاظ کلامی بسیار مهم است، چرا که در صورت عدم اثبات سازگاری، تحولی شگرف در اعتقادات دینی پدید خواهد آمد. در این رهیافت، عموماً پنج وصف از اوصاف خداوند مورد بحث است: توحید، عدل الهی، رحمت و خیرخواهی خداوند، حکمت الهی و قدرت مطلق خداوند.

4. ارتباط مسئله شر با وجود خداوند: مسئله رابطه اعتقاد به وجود خداوند با وجود شرور، در مباحث فلسفه دین و کلام معاصر غرب، محل آراء و نظرات گوناگون شده است. در این میان دو رویکرد اصلی به چشم می‌خورد: در رویکرد نخست، سخن از سازگاری یا ناسازگاری منطقی باور به خداوند با اعتقاد به وجود شر در عالم است. پاره‌ای از مخالفان و متقدان خداشناسی، که شاید جی. ال. مکی از شاخص‌ترین آنها باشد، مدعی ناسازگاری منطقی‌اند. او عقیده خود را با سه قضیه طرح می‌کند: 1- خداوند قادر مطلق است. 2- خداوند خیرخواه مطلق است. 3- با این حال شر وجود دارد. پس خداوند، یا قادر مطلق نیست یا خیر خواه مطلق.

اینان در آغاز از منظر سوم به مسئله شر می‌نگرند، ولی در پایان نتیجه می‌گیرند که وجود شرور با برخی اوصاف اصلی خداوند ناسازگار است. از سوی دیگر تأکید می‌کنند که خدای فاقد این اوصاف، حتی در چشم متألهان، دیگر، «خدا» به معنای واقعی کلمه نیست. به این ترتیب، آنان چنین نتیجه می‌گیرند که خدایی، دست کم آن گونه که ادیان الهی تصور می‌کنند، وجود ندارد.

نگاهی گذرا به رهیافت‌های یاد شده به خوبی اهمیت بحث شرور را نشان می‌دهد، زیرا ناکامی در دست یافتن به راه حلی خرد پسند، نتایجی به دنبال خواهد داشت، از آن جمله اعتقاد به این که جهان کنونی بهترین جهان ممکن نیست. انکار عدل، حکمت و یا قدرت مطلق خداوند، سبب دگرگونی در ساختار الهیات سنتی و پیدایش خداشناسی کاملاً جدیدی خواهد شد. نفی توحید نیز، با تأثیری حداقلی منشأ ظهور ثنویت می‌شود. اگر دعاوی ملحدان در ناسازگاری منطقی یا فلسفی وجود خداوند با تحقق شرور به اثبات برسد، حاصلی جز پذیرفتن المحاد و رد معقولیت الهیات نخواهد داشت. از این رو، از هنگام طرح صورت‌های گوناگون از «مسئله شر» تا امروز، فیلسوفان، متکلمان و اندیشمندان اقوام و ملل بسیار در حل آن کوشیده‌اند.

نگاهی گذرا به بخشی از اهم پاسخ‌های ارائه شده به مسئله شرور پیش از بررسی دیدگاه پلانتینجا در کتاب «خدا، اختیار و شر» و پاسخ او به این مسئله، ضروری به نظر می‌رسد.

- شر، امری موهوم و پنداری است، به این معنا که آنچه در نظر ما شر است، پنداری بیش نیست. [3]

- شر وجود ندارد، در این پاسخ مدعا بر این استوار شده است که امری که آنها را شر می‌دانیم اگرچه واقعیت دارند اما واقعاً شر نیستند.

- شر امری عدمی است. پس از تحلیل ماهیت امری که آنها را شر می‌دانیم، روشن می‌شود که شرور عدمی‌اند و حقیقت آنها چیزی جز فقدان برخی امور وجودی نیست. [4]

- شر از لوازم وجود خیر در عالم است.

پاسخهای ذکر شده، از مهمترین پاسخ‌ها به این مسئله است. پاسخ‌های دیگری هم هست که اهمیت کمتری دارند و بیان آن از حوصله این مجال خارج است.

موضوع اصلی کتاب «خدا، اختیار و شر»، بر اساس آنچه نویسنده خود در مدخل آن اشاره می‌کند، مباحثی از فلسفه دین است. فلسفه دین، شاخه‌ای از فلسفه است که به مقولات و مفاهیم دینی، با تکرش فلسفی و عقلانی می‌پردازد.

این کتاب در دو بخش کلی سامان یافته است: 1. المحاد طبیعی (عقلانی) و براهین مربوط به آن، 2. المهای طبیعی (عقلانی) و براهین اثبات وجود خدا.

از مطالعه بخش نخست کتاب به دست می‌آید که رهیافت پلانتینجا به بحث شر، از نوع چهارم است و روی سخن او، با فیلسوفانی همچون مکی است که مدعی ناسازگاری منطقی بین اعتقاد به خداوند دانا، توانا و خیرخواه مطلق از یک سوی و اعتقاد به وجود شرور از سوی دیگر هستند.

او نیز بحث خود را در دو بخش عمده سازمان می‌دهد: در بخش نخست اثبات می‌کند که ادعای ناسازگاری (منطقی) بین اعتقاد به وجود خداوند و وجود شر، ادعایی بدون دلیل است. او در این بخش نشان می‌دهد که چنین قضیه‌ای به هیچ وجه از سوی منتقدان المهای ارانه نشده است و گزاره‌های پیشنهاد شده صلاحیت ایفای چنین نقشی را ندارند.

در بخش دوم، پلانتینجا می‌کوشد که ثابت کند ادعای ناسازگاری دلیلی ندارد، لذا دلیلی بر سازگاری اقامه کند. به اعتقاد وی برای اثبات ناسازگاری بین اعتقاد به وجود خداوند و وجود شرور، دو راه اصلی وجود دارد: تئودیه و دفاع؛ تفاوت اصلی این دو در آن است که در راه نخست، به طور قطع نشان داده می‌شود دلیل خداوند برای تجویز شرور چیست، اما در دومی تنها گفته می‌شود که دلیل خداوند چه ممکن است باشد. همان‌طور که پلانتینجا خود خاطر نشان می‌سازد، تئودیه - در مقایسه با دفاع - هم دشوارتر است و هم رضایت‌بخش‌تر؛ با این حال برای اثبات سازگاری، حتی یک دفاع نیز کفایت می‌کند. او خود در این کتاب راه دوم را می‌پیماید و به دلیل ارتباط نزدیک آن با مفهوم «اختیار انسانی»، آن را دفاع اختیارگرایانه (دفاع مبتنی بر اختیار) می‌نامد.

در بخش نخست، برخی براهین المحادی که علیه وجود خدا اقامه شده است، بررسی می‌شود که مهمترین آنها، براهینی است مبتنی بر «مسئله شر». بخش عمده کتاب در نقد و بررسی همین براهان است و سایر براهین المحادی، نظیر ادعای تعارض علم مطلق خداوند با اختیار انسان، به شکل محدودتری طرح می‌گردد.

در بخش دوم کتاب، سه براهان معروف از براهین اثبات وجود خدا طرح و سنجیده می‌شوند. این براهین عبارتند از: براهان جهان شناختی، براهان غایت شناختی (نظم) و براهان وجودی، که از میان این سه، براهان اخیر به همراه روایت‌های گوناگون آن در گستره وسیع‌تری مورد بحث قرار گرفته است.

xx. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد تهران مرکز. smh.khalili@gmail.com

1. ر.ک: ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، داریوش شایگان، امیرکبیر، تهران، 1362.

2. دوره آثار افلاطین، ترجمه: محمد حسین لطفی، خوارزمی، تهران، 1366، ص 132-149 و ص 303-311.